

ارزیابی آثار آزادسازی تجاری بر محصولات اساسی دامی ایران

دکتر امید گیلانپور* - ولی الله فریادرس**

چکیده

پذیرش ایران به عنوان عضو ناظر سازمان جهانی تجارت، طراحی و اجرای سیاست‌های حمایتی سازگار با مقررات این سازمان را ضروری ساخته است. تعرفه یکی از این ابزارهای مجاز حمایتی است که در ایران استفاده دراز مدت از موانع غیرتعرفه‌ای به عنوان مهمترین ابزار کنترل حجم تجارت محصولات کشاورزی این ابزار را از کارکرد اساسی خود منحرف ساخته است. محصولات دامی با سهم ۲۷ درصدی خود در ارزش افزوده بخش کشاورزی (۱۳۸۳) و ۵۵ درصدی در اشتغال این بخش از اهمیت ویژه‌ای در اقتصاد کشاورزی ایران برخوردارند. این مطالعه به منظور بررسی آثار آزادسازی بر تولیدات دامی و لبنی در ایران با استفاده از اطلاعات سال ۱۳۸۴ انجام گرفته است. محصولات مورد بررسی در این مطالعه شامل شیر، گوشت گاو، گوشت گوسفند، گوشت مرغ و تخم مرغ هستند. روش انجام تحقیق ماتریس تحلیل سیاستی است. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که ایران در تولید شیر دارای مزیت نسبی و توان رقابت در بازارهای داخلی و جهانی است. این در حالی است که تولید این محصول با نرخ حمایت موثر (-۹) درصد با عدم حمایت دولت روبه‌رو است. ایران در تولید گوشت گاو دارای وضعیتی شکننده از نظر مزیت نسبی است و با توجه به حمایت‌هایی که از تولید داخلی این محصول می‌شود در شرایط غیرحمایتی تولید داخلی آن فاقد مزیت است. تولید سه محصول دیگر نیز با وجود حمایت‌های دولت مزیت نسبی و رقابتی ندارند.

واژه‌های کلیدی

آزادسازی تجاری، ماتریس تحلیل سیاست، تولیدات دامی، ایران.

طبقه‌بندی JEL: Q17, Q18, R15

* استادیار و مدیر گروه پژوهشی بازاریابی و تجارت خارجی مؤسسه پژوهش‌های برنامه‌ریزی و اقتصاد کشاورزی

** کارشناس ارشد اقتصاد کشاورزی مؤسسه پژوهش‌های برنامه‌ریزی و اقتصاد کشاورزی

این مقاله برگرفته از نتایج طرح پژوهشی است که به سفارش دفتر نمایندگی تام‌الاختیار تجاری و تامین مالی کنفرانس تجارت و توسعه ملل متحد (UNCTAD) توسط نویسندگان انجام شده است. نویسندگان لازم می‌دانند از خانمها مینا مشایخی و ماندانا فاضل و آقایان میرهادی سیدی و رالف پیترز به‌طور خاص و دفتر نمایندگی تام‌الاختیار تجاری و UNCTAD به‌طور عام به خاطر تمامی کمک‌هایی که به انجام این پروژه کردند سپاسگزار می‌نمایند.

(۱) مقدمه

نخستین درخواست ایران برای عضویت در سازمان جهانی تجارت در سال ۱۳۷۵ مطرح گردید و مطالعات در خصوص شرایط پس از الحاق و ایجاد آمادگی‌های لازم برای طی موفقیت‌آمیز مذاکرات الحاق به‌تدریج افزایش یافت. اما طولانی شدن پذیرش ایران به‌خاطر مخالفت‌های آمریکا باعث گردید تا ایران گزینه‌های دیگری را نیز در تعاملات تجاری خود ملحوظ نماید. از این رو در قانون برنامه سوم توسعه (۱۳۷۹-۸۳) به وضوح بر گسترش تعاملات با اقتصاد جهانی تأکید گردید و ایجاد موافقتنامه‌های تجاری خارج از قالب سازمان جهانی تجارت با دیگر کشورها و ترتیبات تجاری مدنظر قرار گرفت. به منظور تطابق بیشتر ساختار تجاری کشور با معیارهای جهانی که شرط لازم به ثمر رسیدن مذاکرات تجاری بود در ماده ۱۱۵ قانون برنامه سوم و ماده ۲۳ قانون برنامه چهارم (۱۳۸۴-۸۸) بر حذف کلیه موانع غیر تعرفه‌ای و معادل‌سازی آنها با تعرفه تأکید شده و کشور سعی نمود تا میانگین و پراکنش تعرفه‌های خود را کاهش دهد. حاصل این فرآیند به وجود آمدن نظام کنونی تعرفه است.

اما آنچه که اکنون و بعد از پذیرش ایران به عنوان عضو ناظر سازمان جهانی تجارت حائز اهمیت است، میزان توانمندی نظام موجود در اعمال حمایت مؤثر از محصولات کشاورزی است. نظر به اینکه در طول سالیان متمادی نظام تعرفه‌ای کشور در سیطره انواع ابزارهای غیرتعرفه‌ای گرفتار بوده، لذا ابزار تعرفه به عنوان مهمترین ابزار حمایتی در چنین شرایطی کارکرد واقعی خود را نشان نداده و کاستی‌های آن در پناه ابزارهای غیرتعرفه‌ای مغفول مانده است.

زیر بخش دام با سهم ۲۷ درصد ارزش افزوده و ۵۵ درصد در اشتغال بخش کشاورزی یکی از مهمترین زیربخش‌های کشاورزی محسوب می‌شود. تغییر الگوی مصرف و سطح درآمد جامعه باعث شده تا در هدف‌گیری‌های آتی جامعه نقش بزرگتری برای این زیربخش تدارک دیده شود به نحوی که در برنامه چهارم توسعه مقرر شده تا تولید سرانه پروتئین حیوانی در کشور به ۲۹ گرم در روز افزایش پیدا کند. در تجارت نیز طبق تعریف سازمان جهانی تجارت حدود یک پنجم محصولات کشاورزی محصولات دامی هستند. که در سال ۱۳۸۵ ایران صادرکننده ۲۱۰ میلیون دلار و واردکننده ۲۹۰ میلیون دلار از این کالاها بوده است.

این مقاله در چهار بخش تنظیم شده است. در بخش بعدی روش کار معرفی شده و در بخش سوم داده‌ها، فرضیات و نتایج، گزارش شده‌اند. بخش چهارم به تحلیل نتایج اختصاص دارد.

(۲) مواد و روش‌ها

در بحث بررسی آثار آزادسازی و تعیین میزان حمایت تعرفه‌ای مناسب، طیف متنوعی از روش‌ها از تکنیک پیچیده تعادل عمومی و ارزیابی آثار رفاهی تا روش‌های ساده‌تر نظیر روش شکاف قیمتی

مورد استفاده قرار می‌گیرند. یکی از روش‌هایی که چارچوب مناسبی برای ارزیابی آثار آزادسازی و تعیین تعرفه مناسب ارائه می‌کند ماتریس تحلیل سیاستی^۱ است که قادر است شاخص‌های متنوعی در بحث آزادسازی در اختیار قرار دهد. همچنین امکان تحلیل حساسیت نسبت به پارامترهای مختلف را به راحتی فراهم می‌کند. ابزار ماتریس تحلیل سیاست با توجه به قابلیت‌ها و انعطاف‌پذیری آن تاکنون در بررسی آثار سیاست‌های مختلف توسط محققین به طور گسترده‌ای به کار گرفته شده است. یاو^۲ (۱۹۹۷) همین روش را در جایگزینی تنوع کشت به جای کشت تخصصی به کار گرفت. فرانک و بگین^۳ (۲۰۰۰) در بررسی سیاست‌های حمایتی دولت چین و شهاب‌الدین و دوروش^۴ (۲۰۰۲) برای بررسی مزیت نسبی و سیاست‌های صادراتی دولت بنگلادش از روش مذکور استفاده کرده‌اند. در مطالعه‌ای دیگر به منظور بررسی مداخلات دولت در تولید گندم در ایران نجفی (۲۰۰۵) از ماتریس تحلیل سیاست استفاده کرد.

۳) ماتریس تحلیل سیاستی

این ماتریس را اولین بار مانک و پیرسن^۵ در سال ۱۹۸۷ مطرح کردند و در سال ۱۹۹۵ مسترز و وینتر- نلسون^۶ آن را کامل نمودند. در قالب این ماتریس امکان استخراج شاخص‌های مختلف به منظور بررسی اثرات حمایتی و بحث آزادسازی فراهم است. همچنین این ماتریس امکان تحلیل سیاستی و حساسیت را فراهم می‌نماید. شمای کلی این ماتریس به صورت زیر است.

جدول ۱: شکل عمومی ماتریس تحلیل سیاستی

درآمد	هزینه‌های تولید		سود	مبنای محاسبه
	قابل تجارت	غیر قابل تجارت		
A_i	B_{ij}	C_{ij}	D_i	قیمت‌های بازاری
E_i	F_{ij}	G_{ij}	H_i	قیمت‌های اجتماعی
I_i	J_{ij}	K_{ij}	L_i	اختلاف

سطر اول ماتریس کلی شامل ماتریسهای درآمد (A_i)، هزینه مربوط به نهاده‌های قابل مبادله (B_{ij}) و غیر قابل مبادله (C_{ij}) و سودآوری داخلی (D_i) است. سود داخلی با توجه به فناوری تولید و

1-Policy Analysis Matrix (PAM)

2-Yao

3-Frank & Begin

4-Shahabuddin & Dorosh

5-Monke & Pearson

6-Masters and Winter-Nelson

قیمت‌های داخلی محصولات و نهاده‌ها (دربردارنده سیاست‌های دولت) تعیین می‌شود. در سطر دوم محاسبات بر مبنای قیمت‌های سایه‌ای صورت می‌گیرد. لذا سود حاصل (H_i) سود اجتماعی را نشان می‌دهد. سطر سوم ماتریس از تفریق عناصر ماتریس‌های متناظر اول و دوم به دست می‌آید و امکان تحلیل سیاستی را فراهم می‌کند.

$I_i(A_i - E_i = I_i)$: تفاوت درآمد بازاری و سایه‌ای تولید محصولات است. این ماتریس سه حالت

دارد:

الف) $I_i < 0$ مالیات ضمنی از تولیدکننده دریافت می‌گردد. ب) $I_i > 0$ یارانه غیرمستقیم به تولیدکننده داخلی پرداخت می‌شود. ج) $I_i = 0$ مالیات و یارانه‌ای بر محصول وضع نمی‌گردد یا همدیگر را خنثی می‌کنند.

$J_{ij}(B_{ij} - F_{ij} = J_{ij})$: تفاوت هزینه نهاده‌های قابل مبادله مورد استفاده در محصول را بر حسب قیمت‌های بازاری و قیمت‌های سایه‌ای نشان می‌دهد. سه حالت متفاوت این ماتریس به صورت زیر است:

الف) $J_i < 0$ تولیدکننده داخلی نهاده‌ها را ارزانتر از قیمت‌های جهانی می‌خرد (یارانه دریافت می‌کند). ب) $J_i > 0$ تولیدکننده داخلی این نهاده‌ها را گرانتر از قیمت‌های جهانی می‌خرد (مالیات می‌پردازد). ج) $J_i = 0$ مالیات و یارانه‌ای بر تولیدکننده وضع نمی‌شود.

$K_{ij}(C_{ij} - G_{ij} = K_{ij})$: تفاوت هزینه عوامل غیرقابل مبادله مورد نیاز برای تولید یک واحد محصول در قیمت‌های بازاری و سایه‌ای است که در آن:

الف) $k_i < 0$ یارانه غیرمستقیم به تولیدکننده پرداخت می‌شود. ب) $k_i > 0$ تولیدکننده با پرداخت مالیات غیرمستقیم برای خرید این نهاده‌ها مواجه است. ج) $k_i = 0$ در نقطه سربه‌سر قرار دارد.

$D_i(D_i - H_i = L_i)$: سود حاصل از بکارگیری نهاده‌ها و عوامل در شرایط بازار داخلی و وجود دخالت را نشان می‌دهد. ماتریس H_i سود سایه‌ای را نشان می‌دهد و بیانگر مزیت نسبی یا کارایی در تولید محصولات مورد نظر است. ماتریس L_i تفاوت سود بازاری و سود سایه‌ای است و می‌تواند تاثیر سیاست‌های دولت را بر تولید محصولات مختلف به صورت‌های زیر نشان دهد:

الف) $L_i < 0$ در این حالت سود سایه‌ای کسب‌شده به‌زای تولید یک واحد محصول بیشتر از سود بازاری بوده یعنی تولیدکننده با اعمال سیاست دولت متضرر می‌شود. ب) $L_i > 0$ به‌زای تولید یک واحد محصول سود بازاری بیش از سود سایه‌ای است، یعنی تولیدکننده در شرایطی که دولت با سیاست‌های خود در تولید محصولات دخالت می‌کند نسبت به حالت تجارت آزاد سود بیشتری کسب می‌کند (یا زیان کمتری می‌بیند) و سیاست‌های دولت توجیه‌پذیر و به نفع تولیدکننده است. ج) $L_i = 0$ در نقطه سربه‌سری قرار دارد.

۴) شاخص‌های مزیت نسبی، قدرت رقابتی و ضریب حمایتی

در قالب ماتریس تحلیل سیاست، شاخص‌های ارزیابی‌کننده مزیت نسبی، قدرت رقابتی و ضریب حمایتی قابل استخراج هستند. در اینجا نحوه استخراج این شاخص‌ها و خصوصیات آنها توضیح داده می‌شود.

۴-۱) شاخص‌های مزیت نسبی

۴-۱-۱) هزینه منابع داخلی (DRC): این شاخص در قالب ماتریس تحلیل سیاستی به

صورت زیر قابل محاسبه است.

$$DRC = \frac{G}{E - F}$$

$DRC < 1$ تولیدکننده دارای مزیت نسبی در تولید است. $DRC > 1$ تولیدکننده فاقد مزیت

نسبی در تولید است. $DRC = 1$ تولیدکننده در نقطه سر به سر است.

۴-۱-۲) شاخص مزیت نسبی بر اساس هزینه واحد (UCs): این شاخص مزیت رقابتی

واقعی (با حذف انحرافات قیمتی از محصول و نهاده) است. این شاخص به صورت زیر قابل

محاسبه است.

$$UC_s = \frac{F + G}{E}$$

$UC_s < 1$ تولیدکننده در تولید محصول دارای مزیت نسبی است. $UC_s > 1$ تولیدکننده در تولید

محصول فاقد مزیت نسبی است. $UC_s = 1$ تولیدکننده در نقطه سر به سر است.

۴-۱-۳) سودآوری خالص اجتماعی (NSP): سود سایه‌ای را با توجه به قیمت سایه‌ای

محصول و نهاده محاسبه می‌کند. این شاخص به صورت زیر قابل محاسبه است:

$$NSP = E - (F + G)$$

$NSP > 0$ تولیدکننده دارای سودآوری اجتماعی است. $NSP < 0$ تولیدکننده فاقد سودآوری

اجتماعی است. $NSP = 0$ تولیدکننده در نقطه سر به سر است.

۴-۲) ضرایب حمایتی:

۴-۲-۱) ضریب حمایت اسمی از محصول (NPC): این شاخص درآمد بازاری را به درآمد

سایه‌ای می‌سنجد و به صورت زیر محاسبه می‌شود:

$$NPC = \frac{A}{E}$$

$NPC > 1$ پرداخت یارانه غیرمستقیم به تولیدکننده. $NPC < 1$ دریافت مالیات ضمنی از

1-Domestic Resource Cost

2-Nominal Protection Coefficient

تولیدکننده. $NPC=1$ مداخله‌ای در قیمت محصول نمی‌شود یا در نقطه سر به سر است.
۴-۲-۲) ضریب حمایت اسمی از نهاده (NIPC): این شاخص نسبت هزینه‌های قابل مبادله به قیمت بازاری را به هزینه آنها برحسب قیمت سایه‌ای نشان می‌دهد و به این صورت محاسبه می‌گردد:

$$NIPC = \frac{B}{F}$$

$NIPC > 1$ تولیدکننده در استفاده از نهاده‌های قابل مبادله مالیات می‌پردازد. $NIPC < 1$ تولیدکننده در استفاده از نهاده‌های قابل مبادله یارانه دریافت می‌کند. $NIPC = 1$ یارانه یا مالیاتی بر نهاده وضع نمی‌شود.
۴-۲-۳) ضریب حمایت موثر (EPC): این شاخص ارزش افزوده تولید محصول به قیمت بازاری را نسبت به ارزش افزوده آن به قیمت سایه‌ای می‌سنجد و به این صورت قابل محاسبه است:

$$EPC = \frac{A-B}{E-F}$$

$EPC > 1$ سیاست دولت از تولید محصول حمایت می‌کند. $EPC < 1$ مداخله دولت به زیان تولیدکننده است. $EPC = 1$ مداخله‌ای صورت نمی‌گیرد و اثر مداخلات دولت بر تولید بی‌تأثیر است.

۴-۳) معیار توان رقابت هزینه‌ای:

۴-۳-۱) شاخص توان رقابت داخلی (UC_d): توان رقابت تولیدکننده در شرایط وجود انحراف در قیمت محصول و نهاده‌ها را در بازار داخلی می‌سنجد و به صورت زیر قابل محاسبه است:

$$UC_d = \frac{B+C}{A}$$

$UC_d < 1$ تولیدکننده در بازار داخلی دارای قدرت رقابت هزینه‌ای است. $UC_d > 1$ تولیدکننده در بازار داخلی فاقد توان رقابت هزینه‌ای است. $UC_d = 1$ تولیدکننده در نقطه سر به سر است.

۴-۳-۲) شاخص توان رقابت صادراتی (UC_x): این شاخص نشان می‌دهد که آیا تولیدکننده با مصرف نهاده‌های دارای انحراف قیمتی توان رقابت در بازار جهانی را دارد یا نه و به صورت زیر محاسبه می‌گردد:

$$UC_x = \frac{B+C}{E}$$

$UC_x < 1$ تولیدکننده دارای توان رقابت هزینه‌ای در صادرات است. $UC_x > 1$ تولیدکننده فاقد توان رقابت هزینه‌ای در صادرات است. $UC_x = 1$ تولیدکننده در نقطه سر به سر است.

شاخص هزینه واحد^۱ مورد استفاده در این تحقیق در مطالعات کوکبرن و همکاران^۲ (۱۹۹۹)، سیگل و اشموگر^۳ (۱۹۹۹)، و سیگل و ایکارا^۴ (۲۰۰۰) مورد استفاده قرار گرفته است. در این روش ساختار هزینه بنگاه‌ها با رقبایشان به منظور سنجش رقابت‌پذیری مقایسه می‌شود. بر مبنای اصول تئوری نئوکلاسیک هر بنگاه همواره باتوجه به تکنولوژی مفروض و منابع در دسترس به دنبال حداکثرسازی سود است و در بلندمدت در صورت وجود فرصت‌های سودآور، مقیاس و حجم تولید خود را افزایش می‌دهد. ایجاد سود و افزایش فروش نیازمند کمتر بودن هزینه واحد بنگاه از قیمت‌های بازار است (هزینه نهایی کمتر از درآمد نهایی). لذا هزینه‌ها فاکتور اساسی در ارزیابی رقابت‌پذیری بنگاه‌ها هستند.

برای انتخاب محصولات اساسی مورد مطالعه، سند ملی توسعه بخش کشاورزی در برنامه پنج ساله چهارم توسعه کشور مبنای قرار گرفته است. در ماده ۱۸ این سند محصولات زیر که عمدتاً جایگاه خاصی در بحث امنیت غذایی و اشتغال کشور دارند به عنوان محصولات اساسی احصاء شده‌اند: چغندر و نیشکر، برنج، گندم، سیب‌زمینی، پیاز، محصولات علوفه‌ای، ذرت دانه‌ای، جو، سبزی و صیفی، پنبه، حبوبات، دانه‌های روغنی، انواع محصولات دامی (گوشت قرمز، مرغ، ماهی، تخم‌مرغ و شیر).

از بین این محصولات سند برنامه باتوجه به در اختیار بودن آمار و اطلاعات ۵ محصول دامی و لبنی انتخاب گردیده و آثار آزادسازی در قالب ماتریس تحلیل سیاست بر روی آنها بررسی شده است.

در انتخاب محصولات تلاش شده است تا محصولاتی که ایران واردکننده خالص آنها است مورد توجه قرار گیرند. باتوجه به این که برای محصولات دامی سیستم اطلاعات هزینه تولید وجود ندارد اطلاعات هزینه‌ای مورد نیاز برای تحلیل سیاستی محصولات دامی مربوط به سال ۱۳۸۲ می‌باشد که از اداره طرح و برنامه معاونت امور دام تهیه شده است. قیمت‌های جهانی عمدتاً قیمت‌های سیف وارداتی می‌باشد که از آمارنامه‌های واردات گمرک جمهوری اسلامی ایران تهیه شده است. ضمن این که در باره‌ی موارد از پیش‌بینی قیمت‌های جهانی سازمان همکاری اقتصادی و توسعه استفاده شده است. قیمت سایه‌ای ارز برای تولیدات دامی نرخ ارز بازار آزاد در نظر گرفته شده است. تعرفه‌ها نیز از جداول کتاب مقررات صادرات و واردات سال ۱۳۸۵ استخراج شده است.

1-Unit Cost (UC)

2-Cockburn et al

3-Siggel and Scemogerere

4-Siggel and Ikara

5-OECD

۵) نتایج بحث

نتایج تحلیل سیاستی برای تولیدات دامی نشان می‌دهد که تولید شیر در ایران با $DRC=0.7$ و $UC_s = 0.77$ دارای بیشترین مزیت نسبی در بین محصولات تحت بررسی است. شاخص‌های 0.9 ، $UC_x = 0.84$ و $UC_d =$ جهانی است. شاخص‌های حمایتی از این محصول بیانگر نرخ حمایت مثبت ۲۸ درصد از نهاده‌های تولیدی این محصول و نرخ حمایت منفی ۸ درصد از قیمت این محصول است به گونه‌ای که نرخ حمایت مؤثر از این محصول که برآیندی از نرخ حمایت مثبت از نهاده‌ها و نرخ حمایت منفی از قیمت محصول است برابر با ۲۰٪ است.

وضعیت شاخص‌های مزیت نسبی در مورد تولید گوشت گاو نشان می‌دهد که با شاخص $DRC=0.96$ و $UC_s = 0.99$ در وضعیت بسیار شکننده‌ای قرار دارد و تأیید و یا رد مزیت نسبی در مورد این محصول با شاخص‌های موجود بسیار مشکل است. اما با استناد به شاخص‌های حمایتی این محصول می‌توان ادعا کرد که در شرایط آزاد و رقابتی تولید گوشت گاو فاقد مزیت است. نرخ حمایت نهاده‌ای این محصول ($NIPC=6\%$) نرخ حمایت از قیمت محصول ($NPC=0.16$) و نرخ حمایت مؤثر از این محصول ($EPC=35\%$) است. شاخص مزیت رقابتی در بازار صادراتی برای این محصول ($UC_x=1.03$) است که عدم توان رقابت این محصول در بازارهای صادراتی را نشان می‌دهد. در مقام مقایسه تولید گوشت گاو با توجه به شاخص‌های مزیت نسبی و رقابتی در بین محصولات مورد بررسی در رتبه دوم بعد از تولید شیر قرار می‌گیرد و می‌توان با ایجاد تغییراتی در ساختار تولید این محصول و افزایش بهره‌وری و کارایی تولید آن و کنترل تورم حاکم بر تولید این محصول توان رقابتی این محصول را افزایش داد.

جدول ۲: خلاصه وضعیت مزیت نسبی و رقابتی تولیدات دامی ایران

نام محصول	شاخص	علامت	مقدار	مزیت	رتبه	سود بازاری	سود اجتماعی
شیر	مزیت نسبی	DRC	۰/۷۰	بله	۱	بله	بله
	مزیت رقابتی		۰/۷۷				
			۰/۹۱				
			۰/۸۴				
گوشت گاو	مزیت نسبی	DRC	۰/۹۶	خیر	۲	بله	بله
	مزیت رقابتی		۰/۹۹				
			۰/۸۹				
			۱/۰۳				

ادامه جدول ۲

خیر	بله	۵	خیر	۱/۵۳	DRC	مزیت	گوشت گوسفند
				۱/۱۵		نسبی	
				۰/۸۸		مزیت	
				۱/۱۹		رقابتی	
خیر	بله	۴	خیر	۱/۴۲	DRC	مزیت	گوشت مرغ
				۱/۱۰		نسبی	
				۰/۸۸		مزیت	
				۱/۰۹		رقابتی	
خیر	بله	۳	خیر	۱/۱۲	DRC	مزیت	تخم مرغ
				۱/۰۳		نسبی	
				۰/۸۹		مزیت	
				۱/۱۰		رقابتی	

مأخذ: یافته‌های تحقیق.

در بین ۵ کالای تحت بررسی تخم مرغ در رتبه سوم قرار گرفته است و اگرچه در شرایط غیررقابتی داخلی تولید این محصول با $UC_x = 0.89$ هنوز قدرت رقابت در بازار داخلی را دارد اما شاخص‌های مزیت نسبی ($DRC = 1.12$ و $UC_s = 1.03$) نشان می‌دهد که ایران مزیتی در تولید این کالا ندارد و از همین رو است که این کالا با $UC_x = 1.10$ توان رقابت در بازار جهانی را ندارد. این در حالی است که از قیمت نهاده‌های این محصول ۷٪ و از قیمت محصول ۲۳٪ و در مجموع ۶۷٪ حمایت مؤثر از تولید تخم مرغ در ایران صورت می‌گیرد.

تولید گوشت مرغ نیز اگرچه در شرایط انحرافی موجود بازار داخلی با ($UC_d = 0.88$) توان رقابت در بازار داخلی را دارد اما با توجه به شاخص‌های مزیت نسبی در مورد این محصول ($DRC = 1.42$ و $UC_s = 1.10$) تولید آن فاقد مزیت نسبی است از این رو شاخص مزیت رقابتی برای این محصول ($UC_x = 1.09$) و نشان دهنده عدم توانایی رقابت این محصول در بازارهای جهانی است. شاخص‌هایی حمایتی نشان می‌دهند که اگر چه حمایتی از قیمت نهاده‌های این محصول صورت نمی‌گیرد اما از قیمت این محصول ۲۴٪ حمایت می‌شود و نرخ حمایت مؤثر از این محصول ۱۰۰٪ است. شاخص‌های مزیت نسبی و رقابتی نشان می‌دهند که تولید گوشت گوسفند در ایران در آخرین رتبه در بین محصولات مورد بررسی قرار می‌گیرد به گونه‌ای که ($DRC = 1.53$ و $UC_s = 1.15$) می‌باشد. همچنین این محصول با ($UC_x = 1.19$) فاقد توان رقابت صادراتی است. شاخص‌های حمایتی نیز نشان می‌دهد که از تولید داخلی این محصول به شدت حمایت می‌شود به گونه‌ای که

حمایت نهاده‌ای این محصول (NIPC=۶%) نرخ حمایت از قیمت محصول (NPC=۰.۳۶) و نرخ حمایت مؤثر از این محصول (EPC=۱۱۴%) است.

جدول ۲: خلاصه وضعیت حمایتی محصولات دامی ایران

نام	شاخص	علامت	مقدار	نرخ	۱S	۲S	۳S	۴S	۵S
شیر	ضریب حمایتی	NPC	۰/۹۲	٪-۸	۱۵/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰
		NPC	۱/۲۸	٪۲۸					
		NPC	۰/۸۱	٪-۹					
گوشت گاو	ضریب حمایتی	NPC	۰/۰۰	٪۱۶	۵۰/۰۰	۳۵/۰۰	۰/۰۰	۱۵/۰۰	۰/۰۰
		NPC	۱/۰۶	٪۶					
		NPC	۱/۳۵	٪۳۵					
گوشت گوسفند	ضریب حمایتی	NPC	۱/۳۶	٪۳۶	۵۰/۰۰	۱۱۵/۰۰	۵۵/۰۰	۳۵/۰۰	۲۰/۰۰
		NPC	۱/۰۶	٪۶					
		NPC	۲/۱۴	٪۱۱۴					
گوشت مرغ	ضریب حمایتی	NPC	۱/۲۴	٪۲۴	۴۰/۰۰	۱۰۰/۰۰	۴۰/۰۰	۲۵/۰۰	۱۰/۰۰
		NPC	۱	-					
		NPC	۲/۰۰	٪۱۰۰					
تخم مرغ	ضریب حمایتی	NPC	۱/۲۳	٪۲۳	۳۰/۰۰	۷۰/۰۰	۲۰/۰۰	۲۵/۰۰	۱۰/۰۰
		NPC	۱/۰۷	٪۷					
		NPC	۱/۶۷	٪۶۷					

مأخذ: یافته‌های تحقیق.

- ۱- مقدار تعرفه که در سال ۱۳۸۵ بر محصولات وضع شده است.
- ۲- مقدار تعرفه مورد نیاز در شرایطی که کل حمایتها اعم از نهاده‌ای و محصولی حذف و از طریق تعرفه اعمال گردند. (با لحاظ سود متعارف ۱۵٪ برای تولیدکننده) که البته در مورد محصولات زراعی سودی در نظر گرفته نشده است.
- ۳- مقدار تعرفه مورد نیاز در شرایطی که کل حمایتها اعم از نهاده‌ای و محصولی حذف و از طریق تعرفه اعمال گردند. (بدون احتساب سود ۱۵٪ برای تولیدکننده).
- ۴- مقدار تعرفه مورد نیاز در شرایطی که تنها حمایت از قیمت محصول از طریق اعمال گردد. (با لحاظ سود متعارف ۱۵٪ برای تولیدکننده) که البته برای محصولات زراعی سودی در نظر گرفته نشده است.
- ۵- مقدار تعرفه مورد نیاز در شرایطی که تنها حمایت از قیمت محصول از طریق اعمال گردد. (با لحاظ سود متعارف ۱۵٪ برای تولیدکننده).

۶) جمع‌بندی

نتایج خلاصه وضعیت مزیت نسبی تولیدات دامی بر مبنای اطلاعات جدول ۲ نشان می‌دهد که از بین ۵ محصول دامی مورد مطالعه بر اساس شاخص‌های مزیت نسبی تنها تولید شیر دارای مزیت می‌باشد و تولید گوشت گوسفند، گوشت مرغ و تخم مرغ فاقد مزیت نسبی بوده و همراه با زیان اجتماعی است. ضمن این‌که تولید گوشت گاو از نظر مزیت نسبی در مرز شکننده‌ای است. در بین این تولیدات گوشت گوسفند و مرغ از لحاظ رتبه مزیت نسبی بدترین وضعیت را دارند و تخم مرغ و گوشت گاو در رتبه‌های بعدی قرار دارند. از این رو حمایت از تولید داخلی ۴ محصول بر شمرده با توجه به وضعیت موجود هزینه‌ها و بازارهای جهانی فاقد مزیت بوده و همراه با زیان اجتماعی برای جامعه است. لذا برای حضور این محصولات در عرصه رقابت و عدم تحمیل هزینه بر دوش جامعه لازم است در مورد اصلاح ساختار تولید و هزینه‌ها و یا عدم تولید داخلی آنها در بلندمدت تصمیم‌گیری نمود. نگاه به شاخص‌های مزیت نسبی نشان می‌دهد که هرگونه تلاش برای اصلاح ساختار تولید و هزینه محصولات فوق بایستی با اولویت گوشت گاو و تخم مرغ صورت پذیرد، چرا که انجام آن در مورد این دو محصول با توجه به رتبه مزیت نسبی آنها با توفیق بیشتری همراه خواهد بود.

بررسی وضعیت حمایتی محصولات و میزان تعرفه مورد نیاز در شرایط مختلف تحت سناریوهای زیر انجام گرفته که نتایج آن در جدول ۳ خلاصه شده است. در بدبینانه‌ترین سناریو (۲۵) شرایطی در نظر گرفته شده است که عضویت در سازمان جهانی تجارت منجر به حذف کامل حمایت‌های نهاده‌ای و محصولی گردد. احتمال رخ دادن این سناریو در بدو الحاق پایین است و تجربه سایر کشورهای ملحق شده به سازمان جهانی تجارت نشان می‌دهد که فرجه زمانی برای تطابق کشورها با شرایط جدید در نظر گرفته می‌شود. اما با توجه به این‌که اصل اساسی سازمان جهانی تجارت گسترش تجارت آزاد می‌باشد احتمال اتفاق افتادن چنین سناریویی در افق بلندمدت عضویت وجود دارد. لذا در این مطالعه میزان تعرفه مورد نیاز برای مواجهه با بدبینانه‌ترین حالت به عنوان نرخ تثبیت تعرفه در مذاکرات الحاق در نظر گرفته شده است. با توجه به این‌که هزینه تولید محصولات دامی با احتساب سود ۱۵ درصد محاسبه شده است در سناریو دوم فرض شده است که سناریو بدبینانه حالت اول اتفاق افتد. در چنین حالتی مسلماً تولیدکنندگان تلاش خواهند نمود در یک دوره کوتاه‌مدت یا ساختار تولید خود را با شرایط جدید انطباق دهند و یا از صنعت مربوطه خارج گردند. لذا در سناریو دوم سطح تعرفه مورد نیاز برای حالتی که تولیدکنندگان شرایط سود صفر را برای انطباق خود با شرایط جدید یا خروج از صنعت در کوتاه‌مدت پذیرفته‌اند، محاسبه می‌کند.

سناریو سوم وضعیتی را در نظر می‌گیرد که بخش کشاورزی مشمول تعهدات کاهش‌ی نگرند و حمایت‌های نهاده‌ای به قوت خود باقی بماند و تعرفه برای حمایت از قیمت محصول لحاظ گردد. کاهش تعرفه به پایین‌تر از سطح مورد نظر سناریو سوم تولیدکنندگان داخلی را با مشکل مواجه

می‌کند، اگرچه تولیدکنندگان داخلی محصولات دامی در کوتاه‌مدت قادرند با سود صفر و تعرفه کمتر نیز ادامه فعالیت دهند اما این وضعیت در شرایطی که تولیدکنندگان در بلندمدت قادر به کاهش هزینه‌های خود نباشند منجر به خروج آنها از چرخه تولید می‌گردد. بنابراین چنانچه کشور قصد نداشته باشد از تولید داخلی این محصولات صرف‌نظر نماید سناریو سوم را می‌توان به عنوان خط قرمز تعرفه‌ای در نظر گرفت.

سناریو چهارم مشابه سناریو سوم و بدون احتساب سود برای تولیدکنندگان است. بر اساس سناریوهای طراحی شده در بدبینانه‌ترین حالت گوشت گوسفند نیاز به حمایت تعرفه‌ای ۱۱۵ درصد، گوشت مرغ نیاز به حمایت تعرفه‌ای ۷۰ درصد، تخم مرغ نیاز به حمایت تعرفه‌ای ۳۵ درصد و شیر نیازی به حمایت تعرفه‌ای ندارد. چنانچه سود تولیدکننده را صفر در نظر بگیریم، گوشت گوسفند به حمایت تعرفه‌ای ۵۵ درصد، گوشت مرغ ۴۰ درصد و تخم مرغ ۲۰ درصد نیاز دارند و گوشت گاو و شیر نیازی به حمایت تعرفه‌ای ندارند. بر اساس سناریو سوم گوشت گوسفند به حمایت تعرفه‌ای ۳۵ درصد، گوشت مرغ و تخم مرغ به تعرفه ۲۵ درصد، گوشت گاو به تعرفه ۱۵ درصد نیازمند هستند. ضمن این‌که تولید شیر نیاز به حمایت تعرفه‌ای ندارد.

کتابنامه:

الف- فارسی:

اداره کل مقررات صادرات و واردات (۱۳۸۵) مقررات صادرات و واردات و جداول ضمیمه، تهران: شرکت چاپ و نشر بازرگانی.

سازمان برنامه و بودجه (۱۳۸۲) قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، (۱۳۷۹-۸۳) تهران: سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور، چاپ اول.

سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور (۱۳۸۲) لایحه برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران (۸۸-۱۳۸۴). تهران: سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور، چاپ اول.

فریادرس، ولی‌الله (۱۳۸۳) کشاورزی و سازمان جهانی تجارت. جلد ۵ «مقررات دسترسی به بازار در بخش کشاورزی ایران»، مؤسسه پژوهش‌های برنامه‌ریزی و اقتصاد کشاورزی.

گمرک جمهوری اسلامی، سالنامه آمار بازرگانی خارجی جمهوری اسلامی ایران (واردات)، (۸۳-۱۳۸۲). تهران: دفتر آمار و خدمات ماشینی گمرک جمهوری اسلامی ایران.

ب- لاتین:

Cockburn, J. et al (1999) "Measuring competitiveness and its sources: the case of

- Mali's manufacturing sector", **Canadian Journal of Development Studies**, XX, No 3.
- Fang, C. and C. Beghin (2000) Food Self-Sufficiency, Comparative Advantage, and Agricultural Trade: A Policy Analysis Matrix for Chinese Agriculture, Working Paper 99-WP 223.
- Gonzales, L. A., F. Kasryno, N. D. Perez, and M. W. Rosegrant (1993) "Economic Incentives and Comparative Advantage in Indonesian Food Crop Production." Research Report No. 93. International Food Policy Research Institute, Washington, D.C.
- Masters, W.A., and A. Winter-Nelson (1995) "Measuring the Comparative Advantage of Agricultural Activities: Domestic Resource Costs and the Social Cost-Benefit Ratio", **American Journal of Agricultural Economics**, 77(May): 243-50.
- Mohanty, S., et al., (2002) Assessing Competitiveness of Indian Cotton Production: A Policy analysis Matrix Belt wide Cotton Conferences, Atlanta, GA – Jan. 8-12.
- Monke, E.A., and S.R. Pearson (1989) **The Policy Analysis Matrix for Agricultural Development**. Ithaca and London: Cornell University Press.
- Najafi, B. (2005) "Effects of Government Policies on Wheat Production in Iran", Economic Research Forum, 12 Annual Conference, 19-21 December, Cairo, Egypt.
- Shahabuddin. Q and Dorosh. P. (2002) Comparative advantage in Bangladesh Crop Production. International Food Policy Research Institute. Washington. D. C. Press. USA.
- Siggel and Scemogerere (1999) Uganda' Policy Reforms, Industry Competitiveness and Regional Integration: a Comparison with Kenya.
- Siggel, Ikara and Nganda (2000) Competitiveness of Manufacturing Industries in Kenya African Economic Policy Discussion Paper No. 25. June.
- Yao, S. (1997) "Comparative Advantages and Crop Diversification: A Policy analysis Matrix for Thai Agriculture". **Journal of Agricultural Economics**, 48(2): 211-22.